



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برَدشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی بختیاری

عباس قنبری عُدیوی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۸

چکیده

برَدشیر (*bardešeir*)، شیربَرَدی (*šairebardi*)، یا شیرسنگی، تندیسی ساخته از سنگ است که در فرهنگ بختیاری‌ها کاربرد و کارکرد متنوع فرهنگی، هنری، ادبی، اجتماعی و اقتصادی دارد. در نقاط سردسیری و گرمسیری بختیاری (خوزستان، چهارمحال و بختیاری، لرستان و اصفهان) این پیکره تنومند را روی مزار کلاتنران، خان‌ها، شهیدان، دلاوران، جوانان و بزرگ‌مردان قوم می‌گذارند. گونه‌ها و تیپ‌های مختلف شیرسنگی با توجه به نحوه ساخت، ابزار، تجربه استادان و روند آماده‌سازی، اندازه، ریخت، نگاره‌های حکاکی (نقش) و گونه‌های مختلف واقعی (رنال) و انتزاعی تا نصب و آداب و رسوم آن، در سراسر منطقه بختیاری موجب شد که نگارنده علاوه بر کارکردهای مادی و معنوی، به ویژگی‌های این پیکره در دانش بومی و فرهنگ عامه هموندان بختیاری بپردازد و جایگاه این هنر دیرین ایرانی را در دوره معاصر نمایان کند. این مطالعه بر مبنای پژوهش میدانی و گفتگو با استادان سازنده این هنر-صنعت بومی تدوین و گاهی نیز به اسناد و مدارک کتابخانه‌ای استناد شده است. برای این منظور با مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات لازم، ضبط گونه‌های فرهنگ و ادبیات شفاهی نمونه‌هایی از آفریده‌ها و عقاید مردمی در فرهنگ مردم و هنر ایرانی جستجو شد که برای تحقیقات مردم‌شناسی، قوم‌نگاری و مطالعات فرهنگی-ادبی عشایری مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: برَدشیر، فرهنگ مردم، فرهنگ عامه، ادبیات عامه، فولکلور، دانش بومی، شیرسنگی، بختیاری.

مقدمه

ممکن است در ناحیه تاریخی، مزارگاه‌ها و یا ایل‌راه‌های بختیاری به تندیس‌ها و پیکره‌هایی از شیرسنگی برخورد کرده باشیم و برای ما این پرسش مطرح شده باشد که به چیستی، چرایی و چگونگی این مجسمه‌ها و پیکره‌های سنگی مرتبط باشد؛ پرسش‌هایی مانند:

۱- جنس این تندیس‌ها چیست و چگونه ساخته شده‌اند؟

۲- به چه منظوری ساخته و نصب شده‌اند؟

۳- از کی و چه زمانی این هنر در بختیاری رواج یافته است؟

۴- چرا همه مزارها این تندیس را ندارند؟

۵- تفاوت و شباهت این شیرها در چیست؟

۶- نوع سنگ و ابزار ساخت این تندیس‌ها چیست؟

۷- این پیکره‌ها با فرهنگ و ادبیات بومی چه ارتباطی دارند؟

در زبان و گویش بختیاری، «بردشیر»، «شیربردی» یا «شیرسنگی» تندیس است از ریخت «شیر»^۱ که از سنگ ساخته شده و روی مزار برخی از مردان قرار می‌گیرد. این پیکره در فرهنگ مادّی (ملموس) و غیرمادّی (ناملموس یا معنوی) در گستره قوم بختیاری ایران، جایگاه مهم و ویژه‌ای دارد. در اقلیم‌شناسی ایران، منظور از **خاک بختیاری** محدوده جغرافیایی کوچندگان و ساکنان مناطقی است که از نظر نژادی و گفتاری به جامعه لرتباران (قوم لر بزرگ) منسوب است. محدوده‌ای که شامل تمام یا بخش‌هایی از چهارمحال و بختیاری، خوزستان، لرستان، مرکزی و اصفهان می‌شود. چیستی، چرایی و چگونگی ساخت، آیین برپایی و سنت نصب شیرسنگی برای مردان، در مجموعه فولکلور ایرانیان، به‌ویژه **عشایر بختیاری** و ساکنان زاگرس میانی دارای اهمیت است و برای پژوهشگران حوزه‌های علوم اجتماعی، علوم انسانی، دانش بومی،

بردشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۳

انسان‌شناسی فرهنگی، قوم‌شناسی، هنر، ادبیات و فرهنگ مردم مفید و اثربخش است. در نام‌گذاری مردم بختیاری نیز «شیر» یکی از اجزای اسم‌های ترکیبی مردان است مانند: «شیرمحمد، علی شیر، شیرعلی، شیرحسین، آفاشیر، شیردل، شیرویه، شیرحسن، شیرو» و طوایفی چون: «شیرالی (شیرعلی)، شیرمردی و شیرانی» است. همچنین لقب (برنام) شیر زرد، شیر زاگرس و شیر بیشه، یا القابی چون غضنفر، صمصام، اسد و ... نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه اجتماعی و رفتاری این باور دیرین فرهنگی است.

پیشینه پژوهش

به استثناء کتاب تخصصی نویسنده این نوشتار با عنوان «شیرسنگی؛ پژوهشی درباره شیرسنگی در بختیاری» (۱۳۹۳) تا زمان انتشار این مقاله، کتاب و اثر مستقلی منتشر نشده است. ولی در برخی آثار و منابع به صورت مختصر مطالبی در این خصوص وجود دارد. همچنین مؤلف در کتاب «گفت و گفت» (۱۳۸۵)، در گفتاری با عنوان «بردشیر» (شیرسنگی) و در کتاب «جستاری در فرهنگ و هنر بختیاری» (۱۳۹۰)، مقاله‌ای با عنوان «هنر شیر سنگی در فرهنگ بختیاری» و در کتاب «ز شیر بنگشت تا جون آدمیزاد» (۱۳۹۳) به کاربرد برد (سنگ) و به ویژه بردگوری (استودان)، مافگه و بردشیر پرداخته و در کتاب «مردم‌شناسی بختیاری» (۱۳۹۸) بخشی با عنوان «بردشیر در فرهنگ عامه بختیاری» را مطرح کرده است.

الف- کتاب:

ایوب کیانی، در کتاب «سوگواری در بختیاری» (۱۳۷۹)، به جایگاه شیرسنگی و گذر و نظر در این خصوص اشاره کرده است.
جواد صفی نژاد، در کتاب **لُرهای ایران** (۱۳۸۱)، به شیرهای سنگی ایذه (قبرستان شهسوار و ۵۵ شیرسنگی آن) اشاره می‌کند.
محمدرضا شفیعی، در کتاب «نگاه گردشگری به شهرستان‌های فارسان و کوه‌رنگ» (۱۳۸۱)، به شیرسنگی‌های سنگی منطقه توجه کرده است.

ایرج افشار سیستانی، در کتاب «گردشگری و میراث فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری» (۱۳۸۲)، چند سطری کاربرد شیر بر مزار جوانان را یادآوری کرده است. موسی حاجت‌پور، در کتاب «از لالی تا چهارمحال و بختیاری» (۱۳۸۴)، به فلسفه شیرسنگی و شیرسنگی‌های قبرستان نقش‌جهان لالی اشاره می‌کند. حسین مددی، در کتاب «نماد در فرهنگ بختیاری» (۱۳۸۶)، به مبحث شیرسنگی همراه با تصاویر مربوط پرداخته است. پرویز صحراشکاف، در کتاب «بردشیر» (۱۳۸۸) به شیرسنگی و نقوش آن در بختیاری اشاره کرده است.

سپس عباس حیدری نوروزی (همایون بختیاری) در کتاب «گزیده‌ای از تاریخ ایران» سرگذشت ایل بختیاری (۱۳۸۹)، مطلبی درباره فلسفه و کارکرد شیرهای سنگی آورده است.

ب- مقاله:

هوشنگ پورکریم در مجله هنر و مردم (دوره ۱- ش ۱۲) مهر ۱۳۴۲ مقاله‌ای با عنوان «سنگ مزارهای ایران» نوشت که به شیرسنگی پهلوان شکرالله قهرودی در روستای قهرود کاشان اشاره می‌کند.

اردشیر صالح‌پور، ۱۳۸۶ در همایش، گنجینه هنرهای ازیادرفته در شهرکرد، مقاله باارزشی با عنوان «گورنگاره‌های بختیاری» ارائه کرد.

علی قنبری و عباس قنبری غدیوی در اولین گردهمایی گنجینه‌های ازیادرفته هنر ایران، تهران، فرهنگستان هنر، آذر ۱۳۸۶، مقاله‌ای با عنوان «شیرسنگی، آمیزه‌ای از هنر و حماسه در فرهنگ بختیاری» ارائه کردند.

عباس قنبری غدیوی، ۱۳۸۹، در همایش منطقه‌ای باستان‌شناسی در دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر، مقاله‌ای با عنوان «شیر سنگی؛ نماد باستان‌شناسی خوزستان» ارائه کرد.

مطلبی با عنوان «شیرهای سنگی - آبشارهای جاری، گشت‌وگذار در سرزمین کوچ و طبیعت»، به قلم سحر بیاتی؛ در روزنامه همشهری ۱۳۸۹/۲/۳۰ و بازخوانی بردشیر، به قلم سامان فرجی بیرگانی، ضمیمه روزنامه آرمان شماره ۱۹۵۰ چاپ شد.

برَدشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۵

مهرنوش حیدری، نوشته کوتاهی با عنوان ایران سرزمین شیرهای سنگی، نشریه بامداد ۱۳۸۹/۴/۳۰ و غلامحسین فرشادی، نیز مطلبی با عنوان زاگرس قلمرو شیرسنگی، بزرگ‌ترین باغ‌موزه در فضای باز را در گسترش صنعت ۱۳۸۸/۱۲/۲ چاپ کردند. محمد میرشکرایی، هم در نشریه موزه‌ها، نوشتاری با عنوان «شیرهای نگهبان، در اشیا موزه‌های مردم‌شناسی و در جلوه‌های نمادین فرهنگ» و در دانشنامه تخت فولاد، ج ۲، ۱۳۹۱ به قلم شاهمندی منتشر شد.

عباس قنبری عدیوی، ۱۳۹۶، در همایش بین‌المللی باستان‌شناسی در دانشگاه جیرفت، مقاله‌ای درباره کارکردهای هنری و تاریخی شیرسنگی در بختیاری ارائه کرد.

پ- پایان‌نامه‌ها:

نرجس زمانی، سال ۱۳۸۸ در دانشگاه هنر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «نگاهی نوین به حفاظت شیرسنگی در محوطه قبرستان‌های تاریخی استان چهارمحال و بختیاری» دفاع کرد.

ت- فیلم:

«شیرسنگی» در بنیاد سینمایی فارابی در سال ۱۳۶۵ به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی و تهیه‌کنندگی او و علی‌رضا شجاع‌نوری همراه با بازیگری هنرمندان صاحب‌نامی چون علی نصیریان و عزت‌الله انتظامی ساخته شد.

علاوه بر این، مستند «شیرسنگی»، اثر مهوش شیخ‌الاسلامی درباره مجسمه‌های شیرسنگی و نحوه ساخت آن‌ها در استان‌های خوزستان، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد.

همچنین مستندهای «سرزمین شیرهای سنگی» و «برد شیری»، کار محسن دهقانی فارسانی، انجمن سینمای جوانان ایران، در سال ۱۳۷۵ ساخته شد.

بیان مسئله

در فرهنگ، هنر و ادبیات ایرانی، جانوران و به‌ویژه، شیر، پلنگ، یوز، خرس، گرگ و... جایگاه مهمی دارند. در این میان، نزد مردم ایران، همیشه «شیر» به‌عنوان حیوانی شجاع، قدرتمند، مغرور و پرابهت شناخته می‌شود. در دانش نجوم (یاققی، ۱۳۹۱: ۵۳۳)، فرهنگ‌نامه، علوم انسانی و طبیعی، باهوش، باصلابت، حمله‌بر، غُران، دونده، باشکوه و زیباست. شیر در فرهنگ اقوام ایرانی نماد بزرگی، اقتدار، دلاوری و گردن افرازی است. علاوه بر نقش میانی بیرق و پرچم ملی در دوره‌های متمادی، در علم افلاک و بین صورت‌های فلکی هم برای شیر (اسد) جایگاه رفیعی در نظر می‌گیرند تا هم در زمین و هم در آسمان، این بلندی و رفعت نمایان‌تر باشد. هرکدام از طبقات و گروه‌های اجتماعی عام یا خاص، مانند: صنعتگران، سُرایندگان، هنروران، داستان‌نویسان، قصه‌گویان، افسانه‌پردازان، منظومه سُرایان، نظامیان، در آثار خویش، به این حیوان توجه دارند. وجود نقش، پیکره و یا سردیس شیر در بناهای تاریخی، بوستان‌ها، تندیس‌های شهری، بافت قالی (نک. قاضیانی، ۱۳۷۶ و عباسی فرد، ۱۳۸۸) و دیگر بافته‌های روستایی و عشایری، معماری، صنعت دستی، کالاهای فرهنگی، چاپ اسکناس، سکه و سنگ قبر جایگاه مهم نمادین و رمزی این عنصر فرهنگی - اجتماعی و سیاسی - تاریخی را بین مردم جهان، به‌ویژه ایرانیان و به‌طور خاص «بختیاری‌ها» نشان می‌دهد.



عکس ۱ - نقش شیر روی خرسک و گبه،
بایگانی نویسنده

عکس ۲ - پیکر یا سرشیر روی در ساختمان‌ها،
عکاس: نویسنده، ۱۳۹۰.

اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به جایگاه و خاستگاه شیر در فرهنگ ایرانی، ساخت شیر در گورستان‌ها، بوستان‌ها (پارک)، ساختمان‌های دولتی و خصوصی، نقش آن در ابزار و لوازم مختلف، لازم است که کاربرد و کارکرد این هنر-صنعت ایرانی و یافتن پاسخ دقیق و درست پرسش‌های آغازین نوشتار تبیین شود. آگاهی یافتن از سبب و دلیل ساخت و کاربست شیر در جامعه بختیاری به‌ویژه در قبرستان‌های خود از روزگاران دیرین تا امروز، ضروری است. با بررسی نمونه‌های متعدد شیرسنگی و کاوش منابع نوشتاری و دیداری پژوهشکده‌های مختلف، به جایگاه مادی و معنوی این نماد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی در ایران پی خواهیم برد.

اهداف پژوهش

پژوهش حاضر چون سایر تحقیقات مردم‌شناسی و علوم انسانی، یک هدف اصلی (نهایی) و چند هدف فرعی دارد:

الف- هدف اصلی (کلی و غایی): «بررسی جایگاه شیرسنگی در فرهنگ

بختیاری».

ب- اهداف فرعی (جزئی) زیر نیز در این پژوهش به دست می‌آید:

- ۱- نمایان شدن جایگاه نمادین شیر در فرهنگ ایرانی؛
- ۲- بررسی و مقایسه گونه‌های ساخته‌شده شیرسنگی در ناحیه بختیاری نشین زاگرس؛
- ۳- بررسی دانش بومی سنگ‌تراشی شیرسنگی؛
- ۴- تبیین جایگاه عناصر مادی در فرهنگ مادی و غیرمادی ایرانی؛
- ۵- بررسی کالبدی شیرهای سنگی از نظر وزن، اندازه، جنس، قیمت و دیگر خصوصیت‌ها؛

- ۶- بررسی نگاره‌های روی شیرهای سنگی و اهمیت نمادین آن‌ها؛
- ۷- بررسی تنوع و سیر تطوّر تندیس‌ها و نمادهای سنگی در بختیاری؛
- ۸- آشنایی با گروهی از استادان و هنرمندان این رشته بومی؛
- ۹- آشنایی با کانون اصلی ساخت شیرهای سنگی و بررسی اقتصادی آن؛
- ۱۰- آشنایی با کارگاه‌ها و نحوه ساخت این پیکره از گذشته تا امروز.

مواد پژوهش

محقق قریب دو دهه درباره نمادهای سنگی ایران و به‌ویژه شیرهای سنگی بختیاری، کار میدانی کرده و مواد اصلی پژوهش را در گروه‌های «نوشتاری؛ عکسی؛ گفتاری (شفاهی)؛ دسته‌بندی و بررسی کرده است. مواد پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای این نوشته، شامل فیلم، عکس، مصاحبه و فایل‌های صوتی و مشاهده حضوری و یادداشت‌برداری است که به‌وسیله پژوهشگر تهیه، بررسی، پیاده‌سازی، تحلیل و نگارش شده است.

قلمرو پژوهش

قلمرو جغرافیایی این تحقیق در محدوده استان‌های لرستان، اصفهان، خوزستان و چهارمحال و بختیاری است که بر اساس مشاهده‌ها و مصاحبه‌های نویسنده به‌صورت میدانی صورت گرفت. با توجه به کاربرد شیرهای سنگی در زمان حاضر محدوده خوزستان و چهارمحال و بختیاری، بیشترین بسامد و نمونه‌ها را دارند. اقلیم سردسیر (سرحد) و گرمسیر بختیاری با رویکرد زیست‌سه‌گانه مردم آن (عشایری، روستایی و شهری) و نیز هم‌نشینی (مجاورت) با اقوام دیگر به‌ویژه عرب‌ها، قشقایی‌ها و گروه‌های اجتماعی اقوام ساکن در این مناطق، با کاربرد این عنصر ارتباط دارد.

چارچوب نظری و روش پژوهش

رویکرد اصلی پژوهش، مطالعه مردم‌نگارانه «شیرسنگی» در زاگرس میانی و قلمرو زیست و کوچ بختیاری است و قلمرو نظری پژوهش نیز در حوزه مطالعات دانش اجتماعی و فرهنگ‌عامه (فولکلور) است. روش تحقیق و مطالعه حاضر، گردآوری اطلاعات تحقیق بر دو شیوه میدانی و کتابخانه‌ای است. واژگان و اصطلاح‌های خاصی در این پژوهش به‌کار رفته است که به نسبت بسامد و تکرار از این قرار است که در این نوشته بیش‌تر به آن خواهیم پرداخت:

۱- شیر؛ ۲- سنگ؛ ۳- شیرسنگی (برَدشیر)؛ ۴- بختیاری؛ ۵- نُماد؛ ۶- فرهنگ؛ ۷- فولکلور؛ ۸- ادبیات عامه.

جایگاه شیر در ایران و جهان

در گهن‌ترین تصاویر شیر مربوط به پرستش خورشید-خدا، بود (هال، ۱۳۸۰: ۶۱). شیران نیز نگهبان نمادین پرستشگاه‌ها، قصرها و آرامگاه‌ها بودند و تصور می‌رفت درنده‌خویی آن‌ها موجب دور کردن تأثیرات زیان‌آور می‌شد (همان: ۶۱). شیر را روی کلون درها قرار می‌دادند. امروز نیز در کوبه‌های فلزی، تندیس یا سردیس این جانور علاوه بر نگهبانی، کاربرد هنری نیز دارد. در فرهنگ، معماری، هنر، ادبیات و فولکلور جهان نیز از گذشته تا امروز به تناسب، نیاز و فناوری این حیوان به صورت نُماد، عکس (عکس و نقاشی)، پرچم، نقش مدال (گردن‌آویز)، پایه خودنویس (قلم و خودکار)، پرچم، کُوبه در، کاشی‌کاری، کتیبه‌های مساجد و مکان‌های مذهبی، هنری و زیارتگاه‌ها، زینت در و نرده‌های چوبی و فلزی و... استفاده می‌شود. عکس شیر از دیرباز در فرهنگ ایرانی نماینده شاهنشاهی بوده (یاحقی، ۱۳۹۱: ۵۳۰) و اشاره به آن در طول تاریخ از سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید تا پرچم ملی ایران دیده می‌شود. بر درفش

پهلوانانی چون گودرز و سر نیزه رستم نشان شیر^۱ وجود داشته است. پریان برای حضرت سلیمان داوود (ع) پیکر سنگی شیر ساختند. شیر (شیرهای) تاریخی همدان، طلسم و نماد پاسداری از مردم در برابر سرما و هجوم بیگانگان بود. هنوز هم شیر را برای پاسبانی از مردم، آب‌ها، سازمان‌های دولتی و مکان‌های عمومی به کار می‌برند (یاحقی، ۱۳۹۱: ۵۳۱-۵۳۰).

کاربرد دو شیر روبه‌روی هم در ورودی مجلس شورای ملی و دیگر ساختمان‌های دولتی، نمونه‌ای از پیشینه تاریخی- فرهنگی این جانور برای حفاظت و نگهبانی است. در نقش برجسته‌های تخت جمشید، نگاره‌هایی از شیر ایرانی، در حال شکار گاوی نر و همچنین، پادشاه هخامنشی در حال شکار شیر ایرانی، روی سنگ‌ها کنده‌کاری شده است. در این نگاره شیری که نماد خورشید است با حمله بر گاو سرما و زمستان، به تعقیب آن می‌پردازد، که این هنگام اعتدال بهاری و نوروز است. در ابزار و لوازم خوراک‌خوری یا نوشیدنی، تزئین‌ها، ظرف‌های مختلف نیز از شیر استفاده می‌شود. ریتون شیر، بشقاب، عصا، خنجر و شمشیر، دکمه، کوبه دروازه، پایه پرچم، قلمدان، ساعت، مدال (گردن‌آویز)، نگین انگشتر، گردن‌بند، سکه، دستگیره در خانه و کشوی میز، دستگیره آب (شیر آب) و بسیاری از ابزار زندگی، از گذشته تندیس سنگی، فلزی یا چوبی این جانور وجود داشته است.

هم‌اکنون نیز در قلمدان، جای خودکار و خودنویس، دسته بُرس ریش‌تراشی، ظرف‌های چینی (شیشه و بلور) و فلزی، نشان اتومبیل، باشگاه‌های ورزشی نیز از این نماد استفاده می‌شود. در سکه و اسکناس برخی کشورها نیز از شیر استفاده می‌شود. بازی و اصطلاح شیر یا خط کردن از این روست که پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران روی سکه‌ها و نقش پرچم شیر (شیر و خورشید) بود. در مذاهب و ادیان قدیم ایران، آسمان و ماه و خورشید نقش مهمی بازی می‌کردند و آسمان رب الارباب

۱- درفش بین‌آزدها پیکر است / بر آن نیزه بر، شیر زرین سر است.

بَرْدِشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۱۱

محسوب می‌شد و ماه و خورشید نیز دو نیروی ربانی بسیار مورد علاقه مردم بودند و بر بیرق‌ها و پرچم‌ها و علامات دینی ایرانیان قدیم که همراه فرمانده قوا می‌شد همواره یکی از این سه نیروی ربانی لافل نقش مهمی داشت، که همین امر روحیه سپاهیان را تقویت می‌نمود (نیر نوری، ۱۳۴۴: ۱).

در فرهنگ ایرانی، خورشید، نماد کانون روشنایی و ویژگی‌ها و خوی‌های فرخنده، فراوان و نیکو است و هستی اهورایی را به نمود می‌آورد. «شیر»، نماد آفرینش برین، آسمان و جهان مینوی است. آنگاه که خورشید در برج شیر (اسد یا شیراختر) جای می‌گیرد؛ برابر با آمدگاه است و در بیشترین توان و پرتوافشانی است و جهان روشن‌ترین و گرم‌ترین روزگاران را می‌گذراند. نقش شیر، خورشید و شمشیر علاوه بر اسناد، تمبرها، نشان‌های دولتی، در نشان (لوگو) روزنامه‌ها و ماشین‌سازی‌ها نیز رایج است. در ایران ما جایگاه خورشید به عنوان مظهر نور، گرما و روشنایی و حیات‌بخش جهان و شیر، نماد قهرمانی، پهلوانی و شجاعت، پاسداری و طلسم امان و حراست از مردم در برابر حوادث آسمانی و زمینی، بسیار مهم و ارجمند است. «بر علم‌های مذهبی مولای متقیان، امام علی (ع)، را درحالی که بر پشت شیر نشسته نمایش می‌دهند (خسروی فرد، ۱۳۸۹: ۱۳).

شیر در آیین مهری (میترایسم) پایه چهارم^۱ از هفت پایه این آیین است. شادروان ابوالقاسم فردوسی توسی، شاعر حماسه‌سرا و ملی ایرانی و دیگر شاعران ما بارها به شیر و صفات آن اشاره می‌کنند و رشادت و بزرگی پهلوانان را با توانایی‌های شیر می‌سنجند. دیگر ادیبان ایرانی پادشاهی شیر را ستوده و از آن به قدرت و خردورزی یاد کرده‌اند. در ادبیات اسطوره‌ای-افسانه‌ای، در پیکرگردانی (دگرگونی پیکر به چیز دیگر) نیز شیر کارکردی مهم دارد. در ضرب‌المثل‌های فارسی و بومی-محلی، متن‌های بسیاری

۱- هفت پله عبارت‌اند از: کلاغ (پیام‌آور)، نامزد، جنگی، شیر، پارسی، مهرپویا و پدر (جانشین مهر) (خسروی فرد، ۱۳۸۹: ۲۰).

به شیر اختصاص دارد که عموماً به جایگاه دلاوری، قدرت و شکوه این جانور مرتبط است (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ذیل شیر).

در دانش زیباشناسی و ادب فارسی، شیر نماد و استعاره‌ای آشکار (مُصَرَّح) از پهلوانان و دلاورانی است که در میدان رزم از خود هنرنمایی می‌کنند. در وصف و همانندسازی قهرمانان نیز شیر جایگاهی شاعرانه و مردم‌پسند دارد. در افسانه‌های کودکان شیر را سلطان جنگل و پادشاه حیوانات نامیده، او را بلندهمت و عالی‌جاه می‌دانند. در نقاشی قهوه‌خانه‌ای و نقالی هم شیر با رویکرد فرهنگی و مذهبی وجود دارد. در نمایش تعزیه، از شیر واقعی یا بدل شیر استفاده می‌شود. بنا به باورهای عامیانه، شیر به نمایندگی همه جانداران، در روز عاشورا به حضور امام حسین (ع) می‌رسد و خاک بر سر می‌ریزد. در پرچم‌ها، سر عَلم، چادر و خیمه‌های تکیه هم، تندیس کوچک و عکس شیر به کار می‌رود. در نبرد نمادین و حماسی هفت‌خان (خوان)، رستم، با شیر و آژدها مبارزه می‌کند (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۲۹-۴۰).

گونه‌های شیرسنگی در بختیاری

کاربرد سنگ در زندگی بختیاری‌ها، دو رویکرد مادی و غیرمادی دارد. نوع زندگی و پیشینه کوچروی ایشان، ایجاب می‌کند که از این ماده طبیعی، به فراوانی بهره ببرند. یکی از این کاربردها، استفاده از سنگ در مزارگاه‌ها و تندیس‌های نمادین سنگی است. علاوه بر سنگ‌های مزار، مافگه‌ها و دورچین روی مزار، از کالبد سنگی شیر هم برای مردان استفاده می‌کنند. دیرینگی و اهمیت فراوان این پیکره، برای پژوهشگران مهم و پرسش‌برانگیز است. بنا به مشاهده‌های شخصی از کودکی تاکنون و همچنین پژوهش‌های نظری و میدانی، در نواحی و مناطق بیلاق و قشلاق بختیاری، گونه‌ها و تیپ‌های مختلفی از شیرسنگی (بردشیر) وجود دارد. نگارنده بیش از ۳۰۰ تندیس شیرسنگی را تاکنون ضمن عکس‌برداری، بررسی و اندازه‌گیری ظاهری، نگاره‌های

بردشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۱۳

مختلف آن‌ها را نیز ثبت کرده است. این نمونه‌ها با فراوانی یا بسامد برخی نگاره‌های رایج‌اند که در این تحقیق قریب ۵۰ نگاره مستقل، روی پیکره بردشیرهای بختیاری سردسیر و گرمسیر، ثبت شده که هر یک با تنوع و شکل‌های مختلف خود چندین گونه را می‌سازند. شیرسنگی‌های منطقه بختیاری در دو اقلیم سرد و گرم را در سه دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

۱- دسته قدیمی‌تر: این شیرها از دوره صفوی تا قاجار ساخته شده‌اند. این سنگ‌ها ویژگی‌های زیر را دارند: اندام درشت، قامت کوتاه، تنه گرد و منحنی، تنومند و باهویت ترسناک و مقتدر (عکس ۳ و ۴ در خوزستان).



عکس ۳ و ۴- خوزستان، اندیکا، عکاس: نویسنده، ۱۳۸۹

۲- دسته قدیمی: در این دسته بیش‌تر شیرهای با دیرینگی ۲۰۰-۵۰ سال پیش قرار دارند. این سبک شیرتراشی نوعی ابتکار را در خود دارد ولی از نظر قامت و اندازه با نمونه‌های پیشین متفاوت‌اند و از ابتدای دوره قاجار تا دوره پهلوی را شامل می‌شوند. پس از انقلاب اسلامی هم این سبک تداوم یافته است (عکس‌های ۵ و ۶ در خوزستان).



عکس ۶- بازفت، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۱

عکس ۵- خوزستان، لالی

۳- دسته نو (امروزی): تحوّل و دگرخواهی شیرهای امروزی، ویژگی این گروه است. بیش‌تر با سنگ‌های کریستال، مرمر و روشن (سفید، زرد، قهوه‌ای یا آبی)، شیرهایی به هیبت شیر جنگل (رنال و نه نمادین!!) می‌سازند، با جزییات و ظرافت‌های خاص که آن را به نمونه واقعی حیوان نزدیک‌تر می‌کند (عکس ۷). روی پیکره این شیرها نقش و نگاره نیست. ولی در پای آن‌ها عکس مرد درگذشته و اشعاری در وصف او به چشم می‌خورد (عکس ۸). بختیاری‌ها معتقدند که شیرهای واقعی همان تندیس‌های قدیمی‌اند و این شیرها شکل جانوری دارند، نه انسانی.



عکس ۸- خوزستان، لالی، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۱

عکس ۷- کوه‌رنگ و

بردشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۱۵

اجزا و اندام شیرهای بختیاری روی مزار که در کار سنگ تراشان قدیم و جدید، حکاکی می‌شود. هر کدام از این نمادها، معنا و مفهومی استعاری مانند: شجاعت، قدرت، هیبت و شکوه فرد درگذشته (متوفا) را بیان می‌کنند. این اجزا در دو قسمت سر و گردن و تنه و یک قسمت فرعی که تخت سنگ زیرین پیکره شیر است، نمایان می‌شوند. این بخش‌ها و اجزاء آن عبارت‌اند از:

جدول ۱- اجزا و اندام‌های شیرهای بختیاری

بخش	قسمت پیکره	اجزا و اندام مشخص و حکاکی شده
اول	سر و گردن	قلاده، چشم، بینی، دهان، زبان، دندان، گوش، یال، سبیل، پیکره یا سر آدمی در دهان شیر
دوم	پیکر (تنه)	دست‌وپا، پنجه‌ها، انگشت‌ها و ناخن، دم، دنده‌ها، بیضه‌ها، اندام نرینه
سوم	سنگ زیرین	شعر، عکس، کاسه آب، کوزه آب، نگاره‌های متفرقه

بخش مهم دیگر در ساخت بردشیرها، نگاره‌ها و نقش‌هایی است که روی پیکره این تندیس‌ها، کنده‌کاری می‌شود. اغلب شامل عناصر جاندار، بی‌جان، سلاح و نمادهای رزم و شکار، گیاهان، لوازم و ابزار دینی، شغلی و... هستند. بیش‌تر اشکال ثبت‌شده با تنوع و دگرگونی شکلی تاکنون، از این‌قرارند:

شمشیر و سلاح سرد (صاف، منحنی، ذوالفقار مولا علی)، تفنگ^۱ و پیشتاب (بلند و کوتاه و کمری)، کارد، خنجر، دوربین شکاری (دو چشم و تک چشم)، باروت‌دان، اسب، مادیان و گره، اسب و سوارکار، گرز، کوپال، سپر، بوته گیاه، گل، خورشید، قرآن، کتاب‌هایی چون اوستا، شاهنامه، پرندگان چون کبک، تیر، ساتور، پازن، بزکوهی، سجاده، مهر نماز و تسبیح، قوچ کوهی، بیرق، چاقو یا کارد، نماد فروهر، مرد هخامنشی، نیزه، تبرزین، تیر و کمان، مرد، زن، کودک، توپ فوتبال، رایانه، میل باستانی، تازیانه،

۱- هر یک از ابزار و نقش‌ها خود دارای گونه‌هایی است که برای نمونه تفنگ انواعی دارد: تک لول، دولول، دوربین‌دار، پنج تیر، کلت و تپانچه، پوزپر (باروتی) و...

دوپیگر، شیر، کله قوچ، چوقای بختیاری، جقه بته، پنجه فلزی، و ... نمونه کاربرد و حکاکی این نگاره‌ها بردشیرهایی در کوه‌رنگ و لالی است (عکس شماره ۹-۱۰):



عکس ۹- شهرکرد، قبل از حمل، محل نصب کوه‌رنگ، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۰

عکس ۱۰- خوزستان، لالی، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۱

کارکرد سنگ، طرح و نقش‌های آن در بختیاری بسیار متنوع است. اگر به شیرسنگی هم به‌عنوان سنگ قبر، نگاه کنیم، نوشته‌ها و نقش‌های مختلفی روی شیر نوشته یا حک می‌کنند. روی شیرسنگی (کمر یا سنگ زیرین آن) نام فرد، تاریخ تولد و فوت، نام پدر، ایل و طایفه او را می‌نویسند. عبارت‌ها و نوشته‌هایی چون: لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار، عدد، متن فارسی، عربی، میخی و اوستایی، شعر، روی این تندیس حک می‌شود (نک: عکس‌های ۱۱ و ۱۲).



عکس ۱۱- لالی خوزستان و عکس ۱۲- کوه‌رنگ، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۰-۱۳۹۱

برَدشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۱۷

بر اساس بررسی و مشاهده نویسنده، نقوش و نگاره‌های متنوع روی شیرهای سنگی را به فراخور محتوا و شکل ترسیمی به چهار گروه کلی زیر می‌توان تقسیم نمود:

جدول ۲- انواع نقوش و نگاه بر اساس محتوا و شکل

*#	انواع نگاره‌ها	گروه‌های جزئی تر	مصادق‌ها
۱	جانداران	انسانی حیوانی گیاهی	مرد، زن، کودک، دو مرد پرنده؛ حیوان اهلی (اسب)؛ حیوان وحشی (پازن، بزکوهی، ...) گل، سنبله
۲	بی‌جان‌ها	فرهنگی - مذهبی مصنوع	کتاب (قرآن، شاهنامه، اوستا)، مهر و تسبیح رایانه، سپر، توپ و میل ورزشی، انواع تفنگ، انواع شمشیر، خنجر، تازیانه، تیر و کمان و دیگر وسایل و صنایع
۳	نوشتاری	با ابعاد تجسمی مذهبی حروف و اعداد	خط (فارسی و عربی)، شعر و... الله، محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین و.. شعر، سال تولد و وفات، سال بنای تندیس، سازنده و تلفن و ...
۴	شکل‌های تلفیقی	دو شکل سه شکل چهار شکل و بیش تر	(جاندار و بی‌جان) (جاندار و بی‌جان و نوشتار) (جاندار و بی‌جان، نوشتاری و خیالی)

خاستگاه استادان ساخت بردشیر

در دامنه کوه جهان‌بین و در محدوده جنوب غربی شهرکرد و ۱۵ کیلومتری آن، شهری باستانی از دوره نوسنگی به نام هفشجان وجود دارد که با تلفظ محلی آن را «هوشگون» به معنای هفت شجاعان و یا هوشنگان، می‌گویند. این شهر که در مسیر دزپارت کهن

بین خوزستان فعلی و چهارمحال بنا شده، آثار و سنگ‌نوشته‌هایی با پیشینه ۶۰۰۰ هزارساله دارد (نوشته هفشجان به شماره ثبت ملی ۵۹۹۵-۱۳۸۱/۵/۸). هفشجان، جمعیتی بالغ بر ۱۵ هزار نفر با مردمی هنرمند، صنعتگر و فنی دارد. مردان این شهر در حوزه جوشکاری، سنگ تراشی، کارهای فنی و رشته‌های ورزش رزمی مشهورند. بسیاری از کارگران پروژه‌های مهم جنوب ایران (عسلویه) و حتی کشورهای حوزه خلیج فارس، از این شهرند. قبرستان تاریخی بز لر هفشجان، به سبب رواج کاربرد سنگ از معدن شمالی شهر به نام «بُز لَر» و وجود سنگ‌تراشان بومی، موزه‌ای طبیعی از سنگ‌تراشی، ساخت بردشیر و هنر گور نوشته‌ها در زمره آثار ملی است. نمونه این سنگ‌قبرهای تراشیده و منقش را در گورستان‌های قدیمی اغلب روستاها و شهرهای چهارمحال و بختیاری و خوزستان، می‌توان دید.

در سال‌های اخیر با وجود سرقت، تخریب و مخالفت برخی با این هنر-صنعت فرهنگی و اجتماعی، شاهد رواج و رونق دوباره حجاری‌های شیرسنگی در اغلب شهرهای چهارمحال و بختیاری، لرستان، اصفهان و خوزستان هستیم. اگرچه در حال حاضر، بسیاری از شهرها کارگاه‌های ساخت شیر سنگی دارند؛ از گذشته، هفشجان در استان چهارمحال و بختیاری یکی از مهم‌ترین مکان‌های ساخت و پاسداشت هنر شیرسنگی بوده و هست و به مدد همت این مردم سخت‌کوش و هنرمند این فرهنگ زنده مانده و به نسل امروز منتقل شده است. خوشبختانه با علاقه‌مندی بختیاری‌های خوزستان و چهارمحال و بختیاری، برای احیا و پاسداری از فرهنگ کهن خود، روزه‌به‌روز بر تعداد این کارگاه‌ها و تنوع این هنر افزوده می‌شود. در هفشجان دو خانواده مشهور سنگ‌تراش قدیمی و سنتی، باقری و جهان‌بخشی هستند و خانواده‌هایی دیگر چون فرهادیان، چمانی، فرهادی، ریسی، گودرزی و یزدی هم‌اکنون علاوه بر شهرکرد، شلمزار و هفشجان، در نقاط مختلف استان‌های هم‌جوار به کار ساخت بردشیر مشغول‌اند.

خوشبختانه به سبب رواج دوباره این هنر-صنعت استادکاران، این حرفه را به شاگردان دیگر هم آموخته‌اند (گفتگو با محسن گودرزی، زمستان ۱۳۹۸). استاد جهانگیر جهان بخشی، هنرمند سنگ‌تراش هفشجانی گفت: «پدر، پدربزرگ و نیاکان من به این هنر مشغول بودند، من نیز این هنر را از پدر خویش آموختم» (گفتگو با جهانگیر جهان بخشی، ۱۳۸۴). اغلب استادکاران معتقدند که این هنر را از پدربزرگ و پدر خویش به ارث برده و چندین استاد دیگر هم تا سه و چهار نسل پیش از خود را در این هنر به یاد دارند (گفتگو با مجید چمانی، زمستان ۱۳۹۸). یکی از سنگ‌تراشان هفشجان می‌گفت: در گذشته نه‌چندان دور، کسی که برای نخستین بار به شهر وارد می‌شد، گمان می‌کرد که یک گروه شیر واقعی به سمت او می‌آید (عزت‌الله باقری، ۱۳۸۵). روزگاری قبرستان‌های مناطق بختیاری نشین مملو از شیرهای سنگی با اندازه‌های مختلف بود. اما امروز شیرسنگی‌های اندکی از نمونه‌های قدیمی برجای مانده‌اند که در موزه‌ها، پارک‌ها و میدان اصلی شهرها نگهداری می‌شوند.

بختیاری‌ها مشتری‌های اصلی بردشیر هستند (خداداد حدادی جوققانی، ۱۳۹۸). بسیاری از استادکارهای هفشجانی در خوزستان و به‌ویژه مسجدسلیمان، ایذه و لالی زندگی کرده و همانجا درگذشتند. علاوه بر شهرها و روستاهای چهارمحال، در روزگاران قدیم استادکارها به‌صورت سیار به مناطق مختلف بختیاری نشین می‌رفتند، چون حمل سنگ به روش سنتی خیلی سخت و حفظ آن بسیار حساس است (گفتگو با مرتضی فرهادی، زمستان ۱۳۹۸). استادکاران معتقدند که جنس سنگ باید از همان محل باشد و با آب و هوای منطقه سازگار باشد تا شکسته و تخریب نشود. مثلاً در خوزستان بهترین سنگ همان سنگ‌تراش مسجدسلیمان است و در چهارمحال، سنگ بزرگ هفشجان مناسب است (گفتگو با یاسر یزدی و مرتضی فرهادی، زمستان ۱۳۹۸). سنگ بزرگ در زیر زمین نرم است به همین علت به‌راحتی استخراج می‌شود ولی وقتی هوا بخورد، بسیار سخت می‌شود (گفتگو با احمد یزدی، زمستان ۱۳۹۸).

به یاری نیروهای محلی با استفاده از قلم و چکش، دیلم، گُوه و فارس (فارسه)، گارِسِه (تیشه‌های مخصوص) روش‌های بومی، تخته‌سنگ بزرگی از کوه را جدا کرده و با کمک گردونه و چوب و طناب و ابزار محلی به‌سختی از کوه می‌آوردند (گفتگو با عزت‌الله باقری ۱۳۸۸، مجید چمانی و مرتضی فرهادی، زمستان ۱۳۹۸). سنگ بُزَلَر لایه‌لایه است، با انفجار کامل تخریب می‌شود. در معدن اصلی یک یا دو چال را انفجار می‌کنند و با کمک کلنگ، دیلم و تیشه قطعه‌ها را جدا می‌کنند. سنگ بُزَلَر قطری بیش‌تر از ۴۰-۵۰ سانتی‌متر ندارد (مجید چمانی، زمستان ۱۳۹۸). قدیم این‌گونه بود که بیش‌تر وقتی عشایر به خوزستان می‌رفتند، استاد سنگ‌تراش یکی دو ماه، مهمان مشتری سفارش‌دهنده خود بود و همان‌جا با کمک مردم سنگ را از کوه می‌آوردند، طرح را کشیده، سنگ را تراش می‌داد و نقش و نگار آن را با حوصله کنده‌کاری و حکاکی می‌کرد. در نتیجه گاهی سنگ‌تراشان زمستان‌ها را در گرمسیر می‌گذرانند و گاهی بیش‌تر از دو ماه طول می‌کشید تا یک بردشیر کامل را بسازند ولی الآن با کمک ابزار فرزند دو هفته زمان لازم دارد (گفتگو با مجید چمانی، احمد یزدی و عزت‌الله باقری، بهار ۱۳۹۸).

در زمان قدیم، مرگ‌ومیرها مثل حالا نبود، خیلی کم بود. شیرسنگی را با همان ابزار ساده قلم و چکش درست می‌کردیم و فقط برای اشخاصِ قابل و ویژه مثل کلانترها، ریش‌سفیدان فامیل و آدم‌های مهم از این تندیس استفاده می‌شد (گفتگو با عزت‌الله باقری، ۱۳۸۷). با پیشرفت تکنولوژی تراش سنگ و لوازم برقی، امروز در کارگاه‌های ثابت سنگ‌تراشی آن را آماده می‌کنند و با کمک وسایل و دستگاه‌های نوین و پیشرفته روی آن نقش می‌زنند (عکس ۱۳ و ۱۴)، سپس با خودرو حمل بار و جراثقال آن را به محل برده و نصب می‌کنند (گفتگو با مرتضی فرهادی و احمد یزدی، زمستان ۱۳۹۸). هم‌اکنون در ایذه، لالی، اندیکا، مسجدسلیمان، هفشجان، شهرکرد، فارسان، سورشجان، گهرو، اصفهان و... تعداد زیادی از این کارگاه‌ها این هنر زیبا و معنوی را ادامه می‌دهند.



عکس های ۱۳ و ۱۴- کارگاه های شهرکرد و هفشجان، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۸).

در اصفهان، کارگران افغانستانی این هنر را آموخته و با کمک دستگاه های نوین، شیرهای رئال و کریستال درست می کنند که بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان قیمت دارند (مجید چمانی، زمستان ۱۳۹۸). بسیاری از جوانان تحصیل کرده دانشگاهی در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد هنر با استفاده از مواد دیگر مانند: پلی استر، یونولیت، چوب پنبه و چوب، کارهای نوینی را در اندازه های بسیار کوچک با کاربردهای تزئینی و نوین می سازند. لالی و ایزه نیز در خوزستان، از کانون های اصلی ساخت شیرهای سنگی ایران، به شمار می آیند. در شهرکرد استادکاری معتقد است که سنگ های گوهره لرستان، سنگ نیریز فارس و کریستال خوش دست و خوش تراش ترند (محسن گودرزی، زمستان ۱۳۹۸). در اردل، با استفاده از روش بتن ریزی (بتن و میل گرد)، تندیس شیر برای میدان ورودی شهر (سرداران) به وسیله فیض الله طاهری اردلی ساخته شد (گفتگو با فیض الله طاهری، ۱۳۸۵. نک: عکس ۴۴).

اغلب استادکارها می گویند که یک شیرسنگی بزرگ از قطعه سنگی به وزن سه تن ساخته می شود که پس از برش و تراش کاری حدود یک تن وزن خواهد داشت. به طور معمول با حدود ۲۰ تا ۳۰ روز کار مداوم سنگ تراش یک شیر سنگی نقش دار با ایزاردستی معمولی ساخته می شود. هزینه ساخت فعلی بردشیر بسته به اندازه و هنر حکاکی بین ۲ تا ۳ میلیون تومان و حداکثر ۱۰-۱۲ میلیون تومان است (جهان بخشی و

باقری، ۱۳۸۸). البته این قیمت در حال حاضر تا ۳۰ و ۳۵ میلیون هم می‌رسد (یزدی، زمستان ۱۳۹۸). سنگ‌های کریستال با طرح نو تا ۲۰ میلیون تومان هم به فروش می‌رسند. جهان‌بخشی گفت: «در گذشته بر مزار مردان بزرگ آن‌قدر شیر سنگی بود که هرکس برای اول بار به شهر قدم می‌گذاشت تصور می‌کرد با گله واقعی شیر روبه‌رو شده است» (گفتگو با جهانگیر جهان‌بخشی، ۱۳۸۸).

اغلب سنگ را از معدن هفشجان با ابزاری چون، دیلم، گوه، قلم و پُتک و با نیروی جسمی کارگران جدا می‌کنند چون با انفجار ممکن است ترک بردارد و یا بعداً در کار تخریب شود (گفتگو با احمد یزدی، زمستان ۱۳۹۸). ابزار اصلی کنده‌کاری روی سنگ عبارت‌اند از: قلم‌های ساده موسوم به قلم پَیخ (مانند پیچ‌گوشتی دو سو)؛ قلم‌های پنج که دندان‌ه الماس دارد که با جوش زرد رنگ برنجی به دسته متصل شده‌اند. حرکت قلم‌ها مورّب و با زاویه ۴۵ درجه است. چکش‌های بدون دسته کوچک و بزرگ که استادکاران معتقدند خوش‌دست‌اند و با آن‌ها راحت‌تر کار می‌کنند. سنگ جت‌های کوچک (مینی سنگ) برای برش اصلی، از دیگر ابزارهای امروزی است (به نقل از مرتضی فرهادی و یاسر یزدی، زمستان ۱۳۹۸). نمونه ابزار امروزی استادکاران در عکس‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۷ نمایان است.



عکس ۱۵- کارگاه آقای فرهادی، شهرکرد، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۸

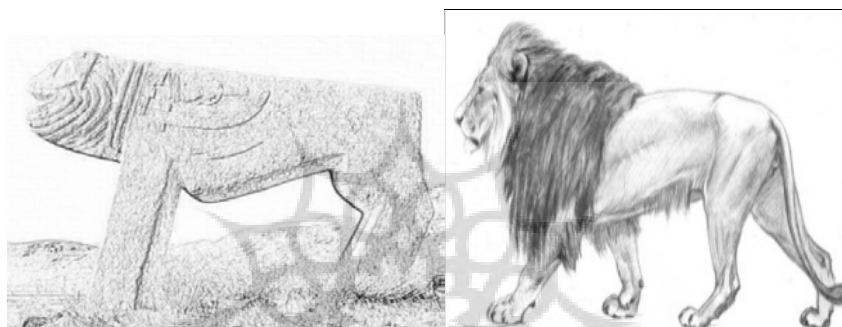


عکس ۱۶ و ۱۷- کارگاه آقای یزدی، شهرکرد، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۸

استاد عزت‌الله باقری سنگ‌تراش هفشجانی نویسنده در شلمزار و مقابل مزارگاه عمومی شهر کارگاهی دارد، گفت که سنگ‌ها را از کوه بُزگر هفشجان می‌آورد. یک شیرسنگی حدود یک تا یک و نیم تُن وزن دارد و تا سه میلیون تومان دستمزد و هزینه دارد (گفتگو با عزت‌الله باقری، ۱۳۸۸). ده سال بعد که با او صحبت کردم گفت یک شیر سنگی بسته به کاری که روی آن، انجام شود تا ۳۰ میلیون تومان هم قیمت دارد (گفتگوی تلفنی، ۱۳۹۸). سنگ بُزگر را از معدنی به همین نام در دامنه‌های کوه جهان‌بین به‌وسیله ارابه‌های چوبی و با نیروی دست به داخل شهر انتقال می‌دادند و پس از ترسیم یا نقاشی شکل شیر، با استفاده از ابزار ساده قلم و چکش، آن را تراش می‌دادند. جهان‌بخشی از سنگ‌تراشان هفشجانی می‌گویند: جنس سنگ و اندازه آن خیلی مهم است، اگر سنگ رگه داشته باشد، ضربه زدن ممکن است آن را دو نیمه کند. پس سنگ‌تراشان بخوبی می‌دانند که چه سنگی برای پیکره بردشیر مناسب است.

استاد دیگری معتقد است که قیمت شیرسنگی به میزان کار، نقش و نگار و یا دقت در ظرافت‌کاری‌های آن، بستگی دارد، یعنی هرچه پول بدی آتش می‌خوری (گفتگو با یاسر یزدی، ۱۳۹۸). خیرالله باقری هم از استادکاران مطرح بردشیر است که قبلاً در

شهرکرد کارگاه داشت و حالا در هفشجان کارگاهی دارد، او گفت که ما بیشتر با نیروی دست و قلم و چکش ساده این نقش‌ها را درست می‌کنیم. از مناطق بختیاری، خوزستان، بازفت و بسیاری از جاها مشتری داریم که پس از آماده شدن کار، آن را انتقال می‌دهند (گفتگو با خیرالله باقری، ۱۳۸۸). دو نمونه از طراحی ساده بردشیر سنتی و واقعی که در کارگاه‌های شیرسنگی رایج‌اند در عکس ۱۸ و ۱۹ مشاهده شود:



عکس ۱۸ و ۱۹- بایگانی نویسنده

در گذشته، آیین نصب شیرسنگی نیز همراه با مرگ عزیزان تا پس از یک سال اتفاق می‌افتاد. ولی الآن اغلب قبل یا بعد از چهلم این کار انجام می‌شود. سنگ گوه (صخره) یا برد شیر را با آداب ویژه به مزارگه منتقل می‌کردند. اگر قطعه سنگ نتراشیده و زُمخت کوه بود، یک تا دو ماه، به شیری تراش خورده و زیبا تبدیل می‌شد. پس از کندن سنگ از دل کوه یا صخره نزدیک به گورها، با کمک گرگر (گردونه ساده)، چارپا و یا چارچو (چهارچوب موازی شبیه به مستطیل) آن را به استادکار می‌سپردند. پس از آماده‌سازی سنگ و افراشتن آن روی مزار، گوسفندی قربانی و همیاران (هیاران) را مهمانی می‌کردند و خوراک یا به اصطلاح محلی «خیرات» (غذای عزاداری، اغلب برنج و آب گوشت) می‌دادند. در این گونه مراسم افراد هم پس از خوردن خوراک و خواندن فاتحه، قرآن و دعا صلوات فرستاده و از پیشانی تا چانه خود را دست کشیده و از صاحب‌مجلس خداحافظی کرده و می‌روند. بختیاری‌ها بسیار نسبت به مزارگاه، تازه‌گه

و یا قبر، سنگ قبر، بردشیر و یا هر نمادی را که روی قبر مردگان بگذارند، حساس و غیرتی هستند و حتی به آن، سوگند می‌خورند (مصاحبه با شهناز قنبری، کوه‌رنگ، ۱۳۸۸). کوچک‌ترین بی‌احترامی و یا سبک‌سری نسبت به مرده خود را با سخت‌ترین شیوه پاسخ می‌دهند. بردشیر همچون سنگ قبر، مافگه^۱ (mâfegah) و مزارگاه برایشان مهم و قابل احترام است. این رفتارها قانون نانوشته ولی لازم‌الاجرای بختیاری هستند. شیرسنگی را فقط برای مردان و آن‌هم افراد لایق و نامدار استفاده می‌کنند. اگر روی مزار فرد نالایقی شیرسنگی بگذارند مثل وصله ناجور لباس است. بختیاری‌ها این کار را انجام نمی‌دهند چون به نوعی مورد مضحکه، دشنام و تمسخر عمومی قرار می‌گیرند (گفتگو با مظفر قنبری و ایرج چراغپور، ۱۳۸۸). اغلب شیرهای سنگی چهارمحال و بختیاری در کوه‌رنگ، بازفت، شهرکرد، کیار، خانمیرزا، لردگان، اردل، فارس و در استان خوزستان در محدوده شهرستان‌های مسجدسلیمان، اندیکا، لالی، گتوند، سردشت دزفول، دهدز و ایذه هستند. بیش‌ترین کارگاه‌های ساخت و تولید بردشیر نیز در همین شهرها و مناطق مستقرند. گورستان‌های شهسوار، نقش جهان لالی، دشت سوسن، ایذه، بازفت و کوه‌رنگ از مکان‌های قدیمی و تاریخی این هنر-صنعت به شمار می‌روند. در لرستان نیز در محدوده الیگودرز بیشترین تندیس‌ها را دارد (مشاهده و تحقیق حضوری نویسنده).

معرفی چند استادکار بنام

اگرچه در هفشجان استادکارهای حجّار یا سنگ‌تراش، بسیارند، اما استادکاران شیرسنگی خاص‌اند. با توجه به تحقیق میدانی نگارنده مقاله و گفتگو با ایشان، استادکارهایی را معرفی می‌کنند که بیشتر خانوادگی و نسل‌اندرونسل به این حرفه مشغول‌اند. برخی از آن‌ها نیز در شهرهای دیگر استان و استان‌های هم‌جوار کارگاه دایر

۱- یادبودی مکعب شکل که برای فرد درگذشته بنا می‌کنند. اگر مزار مرده در گرمسیر باشد، در سردسیر برایش مافگه بنا می‌کنند و به‌عکس.

کرده‌اند. مردم بومی و صاحبان مشاغل دیگر نیز بر این عقیده بودند که خانواده باقری هفشجانی از گذشته تا حالا معروف‌ترین سنگ‌تراشان و سازندگان شیر سنگی‌اند. همچنین استادانی مانند دریا و حسن فرهادیان را نام بردند که در خوزستان مدفون‌اند. نسل قدیمی‌تر در محله معروف به سنگ‌تراشان هفشجان، شامل: یدالله باقری، عبدالله باقری، امرالله باقری، نصرالله باقری و قنبر باقری، فرزندان ایشان شامل: علی‌اصغر، فیروز، حشمت و علی و محمدباقری هم‌اکنون به این کار مشغول‌اند. همچنین استادان هنرمندی همچون: صولت فرهادیان، حاج خداداد فرهادی و حشمت‌الله فرهادی، حمزه فرهادیان و فرزندش حاج علمدار فرهادیان و نوه‌اش مجید چمانی این کار را ادامه دادند. عزت‌الله باقری، خیرالله باقری، جهانگیر جهان بخشی، مسلم فرهادی و مرتضی فرهادی، یاسر یزدی و احمد یزدی، محسن گودرزی هم از جوانان هفشجانی‌اند که این هنر خانوادگی را تداوم بخشیده‌اند. تیپ شیرهای سنگی هفشجان، خاص است. عکس‌های شماره ۲۰ و ۲۱ در چلیچه و خراجی، از کارهای ایشان است.



عکس ۲۰- چلیچه در شهرستان فارس، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۲

عکس ۲۱- میدان خراجی شهرستان کیار، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۲

نوگرایی و تغییر در کاربرد بردشیر

بردشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۲۷

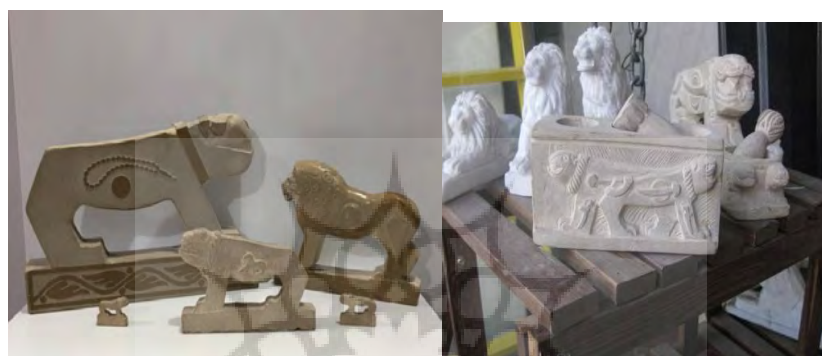
اگرچه در گذشته فقط شیرهای سنگی را روی مزار مردان نام‌آور و بزرگ‌زاده ایل و طایفه نصب می‌کردند؛ اما امروزه با حضور پژوهشگران دانشگاهی با تغییر در اندازه و تنوع در جنس و ساختار آن، کارکردهای هنری و یادبود تزئیناتی نیز یافته است. در همایش‌ها و بزرگداشت‌های هنری به‌عنوان تندیس و یادبود همایش هم استفاده می‌شود (نمونه‌های زیر را نویسنده در بایگانی خود تهیه کرده است).



عکس‌های ۲۲، ۲۳ و ۲۴- عکاس: نویسنده، ۱۳۹۸

شیرسنگی در قالب‌های هنری، نقاشی، نماهای شهری، اصول معماری و طراحی داخلی و نماهای ساختمان، کاشی‌کاری داخلی، در و پنجره هم راه‌یافته و سبب نوعی کارکرد جدید شده است. در کارگاه‌های ساخت شیرسنگی، به سفارش مشتری، ریتون،

جعبه سنگی، هاون سنگی و دیگر ابزار با طرح و نقش شیر ساخته می‌شود. همچنین بردشیرهایی مانند آنچه در مزارگاه‌ها استفاده می‌شود برای همایش‌ها، تزیین رومیزی هم ساخته می‌شود که بین ۳۰ تا ۵۰ و گاهی تا ۲۵۰ هزار تومان هم به فروش می‌رسد (نمونه عکس‌های ۲۵ و ۲۶).



عکس ۲۵- گنجینه شخصی مؤلف، عکاس نویسنده، ۱۳۹۸

عکس ۲۶- کارگاه آقای یزدی، شهرکرد، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۸

اندازه بردشیرها

اندازه، نحوه ساخت و طراحی نگاره‌های شیرسنگی به سلیقه استادان سنگ‌تراش و خواست (پیشنهاد) مشتری بستگی دارد. نوع و جنس سنگ، اندازه، نقش و کیفیت بردشیرها با شرایط سنی، اجتماعی و اقتصادی مشتری و فرد در گذشته تناسب ویژه‌ای دارد، اندازه شیرها برای کودکان، کوچک‌تر و برای بزرگ‌ترها به نسبت مقام اجتماعی‌شان متفاوت است. علاوه بر هزینه ساخت شیرسنگی، جایگاه فرهنگی، اجتماعی و شخصیت فرد در گذشته در اندازه و هیبت شیر تأثیر دارد. از گذشته تاکنون شیرهای سنگی در اندازه‌های مختلف ساخته می‌شود. اندازه شیرها از نظر درازا (طول)، پهنا (عرض)، بلندی (ارتفاع)، گردی (قطر)، درازی دُم، سر، بلندی دست، پا، گوش،

بردشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۲۹

دهان، دندان‌ها و... متفاوت است و نمی‌توان به‌طور قطع اندازه ثابتی را بیان کرد. اغلب، عرض این شیرها بین ۲۰ تا ۵۰ سانتی‌متر و طول آن‌ها از ۵۰ تا ۱۵۰ سانتی‌متر و ارتفاع آن‌ها نیز از ۶۰ تا ۱۲۰ سانتی‌متر و حتی بیشتر است.

علاوه بر تمگن و دارایی مشتریان، به نظر می‌رسد که اوضاع کشوری و شرایط منطقه در دوره‌های مختلف در نوع و اندازه یا نگاره‌های روی شیرسنگی، مؤثر بوده است. بررسی و پژوهش میدانی نگارنده، نشان می‌دهد که در دوره‌هایی که اقتدار، عظمت و روح دشمن‌ستیزی بر ایران حاکم بود، شیرهای سنگی نیز بزرگ‌تر و با هیبت‌تر بودند. شیرهای دوره‌های زندیه، افشاریه و صفویه از تندیس‌های دوره‌های قاجار و پهلوی با هیبت‌ترند. هم‌اکنون نیز تندیس‌های شیرسنگی از نظرگاه پیکرتراشی و حجم و اندازه، درشت‌تر و باصلابت‌ترند (مشاهده میدانی نویسنده). در ورودی موزه باستان‌شناسی شهرکرد، شیرسنگی وجود دارد که از منطقه برجویی (شهرستان لردگان) به این مکان منتقل شده است. بلندترین نقطه آن از زمین سرشیر است که حدود ۸۰ سانتی‌متر و بلندی شیر از دم تا دهان آن یک متر است. این شیر از لحاظ گونه (تیپ) خاصی از نمونه‌های موجود است که کله کوچی در زیر پای اوست. این تندیس، یادآور برتری بختیاری‌ها بر همسایگان قشقایی در نبردهای یک‌صد سال اخیر است.



عکس ۲۷ و ۲۸- موزه شهرکرد، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۳

در شهرهای غیر بختیاری نشین چون فرخ‌شهر^۱ (قهفرخ) تنها یک شیرسنگی باقی مانده است که روی پلکان مقابل کتاب‌خانه عمومی ملاصدرا نصب شده است. اندازه این شیر ۱۴۰ در ۸۰ در ۴۰ است. طول دمش ۱۳۰ و فاصله شکم تا سنگ زیرین ۴۵ سانتی‌متر است. این سنگ از تیپ (ریخت) شیرسنگی‌های بختیاری است که علاوه بر رنگ زرد آن، آثار تخریب روی آن مشخص است. دارای گوش، دهان گرد و دندان، چشم، دست و پای به هم پیوسته ولی پنجه‌های مشخص و دم بلند از سمت راست است. اندازه شیرهای سنگی خوزستان و شهرها و مناطق بختیاری نشین چهارم‌حال و بختیاری از نواحی چهارم‌حال بزرگ‌تر و حجیم‌تر است. مقایسه میدانی نمونه‌های شیرهای شهرکیان (شهرک)، دزک و سورک با مناطق بختیاری در استان مؤید این مطلب است که سبک و اندازه این شیرها کاملاً متفاوت است.

بختیاری‌ها شیرهای تنومند، بزرگ و با هیبت، ایستاده، حمله‌بر و غرنده را دوست دارند. شیرهای کوچک را فقط برای نوجوانان ناکام به کار می‌برند. اغلب شیرها در جوار مکان‌های زیارتی نصب می‌شوند. در نوع جدید شیرهای سنگی که از همان سبک پیشین پیروی می‌کنند و یا نمونه‌های تازه‌ای که ساخته‌اند نیز اندازه‌ها فرق دارد. در زوردگان (شهرستان کیار)، بر مزار فرامرز زیلابی (م. ۹۲/۲/۵) شیری نشسته روی قبر هست که اندازه‌های آن در درازا، پهنا، بلندی (ارتفاع) به ترتیب ۶۰-۲۰-۲۰ و در کمر بلندی آن از سنگ روی مزار ۱۲ سانتی‌متر است. در همان مزار گاه روی مزار علی‌عسگر الله دینی شیری وجود دارد که سنگ زیرین آن ۲۳۰ در ۸۵ سانتی‌متر است و درازا، پهنا

۱- روزگاری اسفندیار خان سردار اسعد اول (فرزند حسین قلی خان ایلخانی و پدر بزرگ ثریا همسر محمدرضا پهلوی) و خواهرزاده او، شهید شیرعلی مردان خان بختیاری (پسر بی‌بی مریم مشهور به سردار مریم) در این شهر حضور داشتند؛ شیرعلی مردان، در برابر پهلوی اول مردانه ایستاد تا در ۱۳۱۳ ه.خ. در تهران به دار آویخته شد. بی‌بی مریم بختیاری قهرمان ملی جنگ جهانی اول و برادرانش همچون علی‌قلی خان سردار اسعد دوم، سردار ظفر و دیگر بزرگان بختیاری در نهضت مشروطه‌خواهی ملت ایران، فتح اصفهان و تهران، استقرار مشروطه و مجلس شورای ملی، نقش بسیار مهمی داشتند.

بَرَدِشِير (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۳۱

و بلندی آن به ترتیب ۱۳۰-۱۷۵-۳۵ سانتی متر است. در آورگان پشت امامزاده دو شیر تنومند هست که از بزرگترین نمونه‌های امروزی و کهن این تندیس‌اند که اندازه‌های آن‌ها ۱۹۰-۱۲۰ و ۳۵ سانتی متر است (نک. عکس ۲۹ و ۳۰). در خوزستان، سردشت دزفول یکی از تنومندترین شیرهای سنگی با ارتفاع ۱/۵ متر (نک. عکس ۳۱) و در امامزاده بابااحمد خوزستان (اندیکا)، شیرهای سنگی تنومند با ارتفاع ۱/۵ متر و قریب ۲ تن وزن وجود دارد (نک. عکس ۳۲).



عکس ۲۹- روستای سنگچی، آورگان، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۳

عکس ۳۰- روستای سنگچی-آورگان، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۳



عکس ۳۱- سردشت دزفول، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۱

عکس ۳۲- اندیکا، امامزاده بابااحمد، عکاس: نویسنده، ۱۳۸۷

شکل (ریخت) بردشیرها

همان‌گونه که گفته شد شیران سنگی، تندیس توپُر، حجمی، تراش‌خورده و نگارین هستند و بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلوگرم وزن دارند. این تندیس انتزاعی و نمادین تنومند، ابهت و شکوه مردان و شیرهای ایرانی را می‌رساند که دیدنشان حتی در زنجیر و قفس، لرزه بر اندام بینندگان می‌افکند. از نظرگاه ریخت (قیافه، ژست و فیگور)، قامت، گردی، انحنا و وزن و حجم شیرهای سنگی تنوع خاصی دارند. برخی نمونه‌های کهن، گرد و کوتاه‌اند؛ برخی نیز تخت و زاویه دارند که به سلیقه استادکاران و سبک محلی آن‌ها مربوط می‌شود. شیرهای قدیمی بیشتر هیبت و شکوه خاصی دارند که کوتاهی، گردی، ارتفاع کم از زمین صاف بودن پشت و خمیدگی سُرین (کپل) از این ویژگی‌هاست. برخی دست‌وپاهایشان به هم پیوسته و گروهی نیز فاصله شکم تا زمین کاملاً خالی است. نگارین و منقش بودن، حلقه گردن، نمایان بودن بیضه‌ها، قرار گرفتن دم در سمت راست، شمشیر مولا علی، داشتن اشعار حماسی از ویژگی‌های اصلی بردشیرهای بختیاری است (نک. عکس ۳۳). قبلاً ابزار و لوازم کار سنگ‌تراشان ساده و بیشتر قلم و چکش بود ولی امروز دستگاه‌های برقی و کوهپُره‌های پیشرفته کار را برای تراش دادن سنگ، راحت‌تر کرده است. استادکاران، به سلیقه خود و یا برای جلب نظر متنوع مشتریان، تغییراتی در شکل، اندازه و حالت‌های نگارین شیرها ایجاد می‌کنند (نک. عکس ۳۴).



عکس ۳۳- شهرستان خانمیرزا، آلونی، عکاس: نویسنده، ۱۳۸۹

عکس ۳۴- لالی، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۱

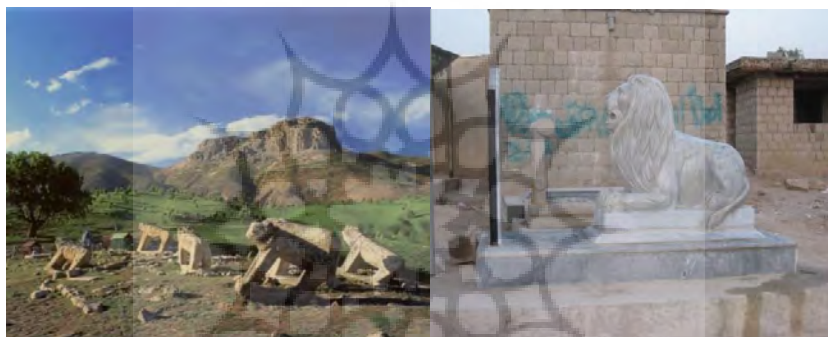
بَرَدِشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۳۳

برخی از حالت‌های شیران موجود در مزارگاه‌ها بدین صورت است: ایستاده (صاف)؛ ایستاده (نیم‌خیز)؛ ایستاده (حمله‌بر)؛ ایستاده (خشمگین، غرآن و نیمه برخاسته). نمونه‌هایی از نوآوری‌های ریخت، اندازه، حالت، نگاره و شکل و شمایل مختلف شیرها از این‌قرار است: ساخت نیم‌تنه و سر، نصب روی سنگ یا کنار و بالای سنگ قبر؛ ساخت شیرهای سنگی با یال و کوپال؛ قرار دادن نگاره‌های نوین با فرهنگ و هنر امروزی؛ افزودن نمادهای ملی و ایرانی در نگاره‌ها.



عکس‌های ۳۵، ۳۶، ۳۷ و ۳۸- شهرستان کوهرنگ، هیرگان و میان‌رودان، عکاس: نویسنده،

در شیرهای سنگی مطالعه شده برخی رو به غروب خورشیدند که شاید از ریشه‌های میترایی بازمانده باشند. برخی نیز چون سنگ قبر در امتداد پیکر مرده قرار دارند، به گونه‌ای که سرشیر موازی سر مرده است و در کل پهلوی آن روبه‌قبله است (نک. عکس ۳۹). در برخی نمونه‌های تازه، حالت شیرها، نشسته، به پهلو خوابیده، حمله بر و غرآن، نیز طراحی و ساخته شده‌اند؛ اگرچه این نمونه‌ها باحالت شیرسنگی انتزاعی در بختیاری، منافات دارند ولی سلیقه و علاقه‌مندی امروزی استادکاران و گاه تنوع‌طلبی مشتریان به این گونه‌ها بیشتر شده است (نک. عکس ۴۰).



عکس ۳۹- گنجینه میراث فرهنگی چهارمحال و بختیاری

عکس ۴۰- خوزستان، عکاس: نویسنده، ۱۳۸۹

با توجه به بررسی‌های میدانی و مصاحبه با سنگ‌تراشان، در ادامه به نکاتی به اختصار اشاره می‌شود:

۱- شیرهای سنگی چندین مرحله متفاوت و متنوع را پشت سر گذاشته‌اند؛ این نمونه‌ها را در چند دسته اصلی از نظر زمان و یا دوران تاریخی و چند تیپ یا گونه از نظر فرم و ساختار می‌توان تقسیم‌بندی کرد.

۲- اندازه‌ها، حالت‌ها، رنگ، جنس سنگ، حالت دست، پا، سر، یال، دهان، گردن، حلقه یا قلاده، دم، پنجه و... شیرها با همدیگر فرق دارد.

بردشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۳۵

۳- شیرهای جدید ساخته شده با عمر کمتر از ۲۰ تا ۳۰ سال، نیز خود چندین شکل دارند؛ هنوز حالت انتزاعی و سنتی شیر پسندیده‌تر و به قالب اصلی بردشیر بختیاری نزدیک‌تر است.

۴- اشعار و نوشته‌های روی شیرها در گذشته و امروز متفاوت است؛ هنر خوش‌نویسی، نوع نگاشته‌ها و مکان‌هایی که روی آن قسمت مطلبی نوشته یا کنده‌کاری می‌شود نیز مهم است.

۵- اغلب نگاره‌هایی روی پهلو و دیگر قسمت‌های بدن شیر وجود دارد که هر روز متنوع می‌شود.

۶- گاه به‌جای شیرسنگی، عکس کامل یا سرشیر را روی سنگ مزار حک می‌کنند؛ تغییر کارکرد تندیس شیر به نقش شیر در کتیبه بالای سر و یا بخش‌های دیگر نیز نکته مهمی است.

۷- گاه فقط تندیس نیم‌تنه یا سرشیر را روی مزار می‌گذارند؛ این موضوع نیز به تغییر کاربردی این تندیس اشاره دارد.

۸- گاه از نمادهای ترکیبی برای ساخت این تندیس استفاده می‌شود؛ مانند: تنه یا نیم‌تنه و سرشیر همراه با سنگ تخت و تصاویر متنوع روی آن.

۹- امروز بختیاری‌ها، نماد شیر را برای قبرها به کار می‌برند. این مسئله با پیوستگی تاریخی و هنری قومی به گذشته و حس نوستالژی ایرانی برمی‌گردد.

۱۰- قداست و مقام معنوی کاربرد شیرسنگی روی مزار به‌گونه‌ای است که اگر برای کسی که شایستگی آن را نداشته باشد، این تندیس را استفاده کنند، نوعی تمسخر و انتقاد جدی را به همراه دارد.

۱۱- تندیس شیر، نوعی نگاره ذهنی ساخت استادان ماهر است که بدون داشتن طرح و نقش، به اتکا حافظه خویش آن را می‌سازند.

۱۲- نگاره‌های روی شیرسنگی با نگاره‌های سفالینه‌ها، فلزها، چوب‌ها، شیشه‌ها و ... رابطه دارد و علاوه بر آن با دیگر مجسمه‌ها چون قوچ و اسب پیوند دارد. در

بختیاری از شیرسنگی برای قبر مردان، و بین ترک‌های قشقایی و آذری از قوچ و اسب سنگی استفاده می‌شود. وجه مشترک آن کاربرد جنس نر و استفاده از این تندیس برای مردان، است.

۱۳- پس از انقلاب اسلامی مدتی این هنر افول کرد ولی پس از آن و به خصوص با حوادث دفاع مقدس، برای شهدا و دلاوران دفاع از میهن، بزرگان و افراد صاحب نفوذ، رونق گرفت و همچنان در حال رواج است.

۱۴- کاربرد شیرسنگی تلفیقی از هنر، صنعت، ادبیات، فرهنگ مردم و پیشینه باورها و اعتقادات ایرانی است که در فرهنگ سنگ‌قبرهای مناطق دیگر وجود ندارد.

۱۵- فرهنگ، اساس استقلال یک ملت و کشور است و بی‌مدد آثار آن، هویت اقوام و نسل‌ها در پرده ابهام قرار می‌گیرد. جوامع و ملت‌هایی که به فرهنگ خود اتکا و آن را بازشناسی کرده و به دیگران به‌ویژه جوانان خود آموختند در تمام ادوار تاریخی زنده و شکوفا مانده‌اند.

۱۶- شباهت فراوان بین کاربُرد و استفاده از تندیس و نگاره‌های شیر، اسب سنگی (نک). عکس (۴۱) و قوچ (نک. عکس ۴۲) در فرهنگ بختیاری‌ها، آذری‌ها، قشقایی‌ها و حتی برخی کشورهای قلمرو ایران فرهنگی مانند آذربایجان، ترکیه و ارمنستان، برای پژوهشگران، ساده و اتفاقی نیست و به کارکرد و بهره‌مندی اقوام ایرانی در طول تاریخ اشاره دارد.



عکس ۴۱ و ۴۲- موزه تبریز، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۲

فولکلور بختیاری و شیرسنگی

فولکلور^۱ واژه‌ای است که نخستین بار از سوی ویلیام، جی تامس^۲ با نام مستعار «آمروز مرتن»^۳ در سال ۱۸۴۶ م. منتشر شد. سید ابوالقاسم انجوی شیرازی (نجوا) از پیشگامان فولکلور شناسی ایران، آن را مجموعه اطلاعات مردم، دانش توده، فرهنگ مردم، فرهنگ عوام، معلومات عوام، فرهنگ توده و دانش عوام می‌داند (انجوی، ۱۳۷۱: ۹). فولکلور هر قوم و ملتی دربرگیرنده ادبیات، آداب و رسوم، باورها و عقاید آن قوم درباره مسائل مختلف زندگی تا مرگ است. اصطلاح فولکلور از دو بخش فولک (folk) به معنی توده و لور (lore) به معنای دانش تشکیل شده است (بلوک‌باشی، ۱۳۵۷: ۱۲)، این بخش ادبیات همان رویه شفاهی آن است زیرا محققان ادبیات بدیعی را به دو بخش شفاهی و تألیفی تقسیم می‌کنند (رحمانی، ۱۳۸۰: ۹). آن گونه که علی بلوک‌باشی می‌نویسد: فرهنگ عامیانه و گفتاری آن بخش از فرهنگ است که کمتر نوشته شده و بیشتر در قالب ادبیات عامه یا ادبیات شفاهی انتقال می‌یابد. در این بخش گونه‌هایی از فولکلور بختیاری را با موضوع شیرسنگی، به تفکیک ارائه می‌کنیم:

الف) باور مردم بختیاری

تکریم: نباید به شیرهای سنگی بی‌احترامی کرد؛ آن را انداخت و یا جابجا کرد، چون یک نفر از فامیل شخصی که این کار را انجام دهد، خواهد مُرد.

حرمت: نان را از روی زمین بردارید و بر بلندی یا میان سنگ‌ها (کنار شیرسنگی) قرار دهید تا رزق شما کم نشود. (حرمت نان حفظ شود).

1. folklore
2. villiam.j.thoms
3. mbros merton

دخیل بستن: همان‌گونه که به ضریح امام‌زاده‌ها و یا شاخه برخی درختان مانند گنار، سیستن، سنجد و ... پارچه نذر می‌بندند؛ به شیر سنگی هم دخیل می‌بندند تا حاجت‌خواهی کنند (گفتگو با شاه‌یجان قنبری، ۱۳۹۰).

زنده پنداری: روح صاحب شیرسنگی همیشه در کنار اوست و نباید آن را آزرده چون که سبب آزردهن روح مردگان می‌شود.

سلامت‌خواهی: آب باران، زیر پیکره شیرهای سنگی، برای سلامتی و رفع بیماری شفابخش است. جلوی دست‌های شیرسنگی و روی تخته‌سنگ زیرین، کاسه‌ای درست می‌کنند که با سنت کوزه گذاشتن بر پشته خاک مردگان همسانی دارد. به نیت رفع بیماری‌های کودکان، بزرگ‌سالان و زنان را از زیر شکم شیرسنگی می‌گذرانند تا تندرست شوند. در بختیاری اگر کودکی سیاه سُرُفه خشن (کُفه کول - kofekul) داشت؛ از زیر شکم شیرسنگی عبور می‌دادند تا بهبودی حاصل می‌شد. در سایر بیماری‌های کودکان، بیمار را از میان یا زیر پیکره بردشیر (شیرسنگی)، می‌گذرانند تا بهبودی یابد. «هنگامی که کودکی دچار دل‌خفگی یا ترس شدید از حیوانی یا شخصی شود، مادر یا پدر او را سه یا هفت بار از زیر پای شیرسنگی عبور می‌دهند و به این وسیله باور دارند که اجنه و قوای جهنمی مرموزی که باعث بیماری کودک شده‌اند از او دور می‌گردند» (علی پورسعدانی، ۱۳۸۸: ۶۸). وقتی کودک از چله بیرون آمد دو زن در دو سوی شیرسنگی می‌ایستند و نوزاد را از زیر شکم و روی گرده آن چند بار عبور می‌دهند تا از آفات و آسیب‌های مختلف بیرون آید (گفتگو با فاطمه قنبری و راشین کریمی، ۱۳۹۰).

شکار: صیادی یکی از هنرهای مهم مردان بختیاری است. شکارچیان برای کسب روزی و به دست آوردن شکار خوب، تفنگشان را به شیرسنگی می‌زنند و یا از زیر آن عبور می‌دهند و بعد به کوهستان می‌روند.

فرزندآوری: برای فرزندآوری هم زنانی که صاحب فرزند نمی‌شدند سه هفته پشت سر هم سه شنبه عصر از زیر شکم شیرسنگی شهید عبور می‌کردند و سه بار پیایی این حرکت را انجام می‌دادند. دختر دم‌بخت را اگر از زیر شکم شیرسنگی عبور

دهند، فرزند اولش پسری شجاع و لایق خواهد بود. عروس را هنگام بردن به خانه بخت، بر گرده شیرسنگی سوار می‌کنند تا پسرانی شجاع و شیرگونه بیاورد (گفتگو با شاه‌یجان قنبری، ۱۳۹۰). در تأیید این باور عامیانه، استاد فره‌وشی می‌نویسد: «دوشیزگان به هنگام شب سوری آیین‌های نیایشی با تندیس شیر دارند. در این مراسم بر روی تندیس (شیر سنگی) می‌نشینند و از زیر دست و پای آن چندین بار می‌گذرند و پشت و شکم آن را نوازش می‌کنند و از آن مراد می‌طلبند و فرزندان نیرومند می‌خواهند.» (فره‌وشی، ۱۳۶۴: ۴۸). شیرهای سنگی در همدان، اصفهان و شهرهای دیگر که بنا بر رسوم عامه توسط بدن‌ها موجب باروری دختران می‌گردد، نیز نمادی است از آنهایتا و چنان‌که در روایت آئین آمد، در پرستش گاه‌های ناهید در عیلام شیرهای رام شده نگاه می‌داشتند (فره‌وشی، ۱۳۷۰: ۱۹۲).

گیسو بستن: خواهر، مادر و همسر مرده مقداری از گیسوان (پل) خود را بریده و به شیرسنگی می‌بندند. این کار اوج اندوه و غم‌گساری بر درگذشتگان است. پل بریدن در بختیاری با آیین‌های مشابه در شاهنامه پیوستگی دارد و از دیرینگی این سنت ایرانی سخن دارد.

محک شجاعت: مردان بزرگ و جنگاور ایل، اسب‌ها را در شب یا هنگام طلوع خورشید، از کنار شیرهای سنگی عبور می‌دهند تا ترسشان بریزد و برای نبرد و تاخت‌وتاز در میدان رزم، شجاع شوند. اگر اسبی دل‌درد بگیرد، چند دور گرد شیرسنگی می‌چرخانند تا بهبود یابد. همین کار را برای آتش هم انجام می‌دهند (گفتگو با شهباز و مظفر قنبری، ۱۳۸۸).

ب) ترانه‌های مردمی

نمونه‌هایی از سوگ‌سرودهای بختیاری که «بردشیر» در آن آمده است:
بردِ شیرِ سرِ ره نیله گُدرُتم / دو دستمِ وا سرِ زُرم سی شیرِ زردُم! (شیرسنگی بر سر راه نمی‌گذارد که عبور کنم / دو دستم را برای شیر زردم^۱ بر سر می‌زنم.

۱- شیرزرد = استعاره از جوان درگذشته

بردشیری سیت راست کُتم ز برد کُھسار / تا خِیالتِ بگرم بس بزئم زار (از سنگ
کوهسار برایت شیرسنگی درست می‌کنم / وقتی به یادت می‌افتم به آن می‌گیریم).
روزگار اولی وندم به ویرت / درد دل سنگین کُتم به برد شیرت (روزگار گذشته
مرا به یاد تو انداخت / برای شیرسنگی‌ات درد دل می‌کنم).
روزگار اولی وندم به ویرت / نشینم دوندال^۱ کُتم تی برد شیرت (روزگار گذشته
مرا به یاد تو انداخت / کنار شیرسنگی‌ات می‌نشینم و مرثیه می‌خوانم).
گويلم گپ تا کچیر جَم بُوین به دَورُم / طِلسم شير بکنین به بَرِد
قَورُم (ای برادرانم از کوچک تا بزرگ دور من جمع شوید، عکس شیر بر روی
سنگ قبرم حک کنید).
گويلم گپ تا کچیر جَم بُوین به دَورُم / طِلسم شير بکنین به بَرِد قَورُم (ای
برادرانم، بزرگ و کوچک، دورم جمع شوید / روی سنگ قبرم طلسم شیرسنگی
بگذارید).

پ) اشعار روی شیرهای سنگی

بختیاری‌ها غم، شادی، حماسه و آرمان‌های ایلی خود را همراه با تاریخ نهفته در
آن؛ در قالب بیت‌های شوخی (شوخی: شبیخون؛ حماسه و دلاوری)، سرکھی
(sarkohi)، برزگری (کارآوا) و یا غم سروده‌هایش (دوندال و دونگ‌دال) انتقال
می‌دهند. یکی از نوآوری‌های امروزی در هنر ساخت تندیس‌های شیرسنگی، این است
که اشعار زیبایی در دو سوی آن، پای تنه و روی کمر شیر حکاکی می‌کنند. در قبرستان
شهرکرد (بهشت دو معصوم) قریب به ۴۰ تندیس شیرسنگی بررسی شد. در قبرستان
لالی حدود ۵۰ نمونه و در گلستان شهدای چلگرد مرکز شهرستان کوه‌رنگ بیش از ۵۰
تندیس شیر وجود دارد. نمونه‌ای از ابیات روی این پیکره‌ها در ذیل می‌آید:

۱- دومدال، دونگ‌دال، دوندال = سوگ‌سرود

بَرَدِشِير (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۴۱

چون این شیرسنگی، سرشیر خُفت/ ز شیران نُمادی بگردید جُفت// به ایلی که مردان (مردانش) جنگی بُود/ سر قبرشان شیرسنگی بُود// سر قبر مردان زورآزمای/ طلسمی ز شیر است آنجا به پای.

علاقه‌مندی بختیاری‌ها به شاهنامه (هفت‌پیکر) سبب شده که اشعاری به فارسی و یا گویشی بر وزن این اثر روی بردشیرها بنویسند. دور شیرسنگی علی عسگر الله دینی، در زوردگان از توابع شهرستان کیار چهارمحال و بختیاری آمده است:

ز دست زمانه بیاید گریست/ ز برنو به دستان دگر هیچ نیست// دریغا کجایند شیران نر/ تفنگ‌های برنو، اسبان کَهر// بدین روزگار نیست همتای تو/ به فرّ و به مردی و بالای تو// توای خاک، پدر را گرمی بدار/ که او یلی بود در روزگار.

روی سنگ زیرین (بین دست‌وپاهای) همین شیرسنگی چنین آمده است:
نه خان منده نه کدخدا نه شیر دلدار/ شیرون دلاورم وابینه بیمار// هم به جنگ، هم به سخن، هم به سخاوت/ خاطرات آقا علی رهد سی قیامت (برگردان: دیگر خان، کدخدا و شیر دلاوری نمانده است/ شیران دلاورم بیمار شده‌اند// خاطرات آقا علی در جنگ، سخنوری، سخاوت به قیامت رفته‌اند).
یا روی بردشیری نوشته شده است: سلام و درود بر رخسار تو// برآن پیکر شیر در خاک تو.

در کوه‌رنگ: به نام خداوند مردان شیر/ که تن را در آخر کند گِل اسیر// چو دیدی تو بر قبر یک سنگ شیر/ بدان تو که خفتیده یک مرد شیر// چو مادر او را شیخ‌علی نام داد/ خداوند مردی به او یاد داد.

روی شیرسنگی حاج علی باروزه، در گلوگرد شهرستان کیار این ابیات نگاشته شده است: بر رخ گود چغاخور به آرامی نشست/ از دیار شیرمردان، میرسالاری برفت* ای کهن مرد دلیر روزگار/ ای ز داغت در فغان ایل و تبار* ای جوانمرد ای پدر میرشکار/ قلعه چغاخور مانده از تو یادگار- دشت چغاخور، ای یادگار نشین وارگه خوانین- خداحافظ (مشاهده میدانی نویسنده).

نتیجه‌گیری

شیر از جانداران بسیار مهم در فرهنگ، ادبیات، هنر و اندیشه‌های ایرانی است. اقوام ایرانی، از دیرباز به شیر و جایگاه نمادین آن توجه داشته‌اند. شیر به صورت تندیس نیز در فرهنگ کهن و امروزی ما ایرانیان و به‌طور خاص، زاگرس نشینان، کاربرد فراوانی داشته و دارد. همان‌گونه که برخی جانداران دیگر چون قوچ، اسب، عقاب و... در بین اقوام مختلف جایگاهی والا دارند. یکی از آیین‌های موجود در فرهنگ عشایر بختیاری برپا داشتن شیر سنگی (برد شیر) بر مزار چهره‌های ماندگار، سرشناس، کلاتر، بزرگ و بنام خویش است. «شیرسنگی» را بر آرامگاه پیران، جوانان و نوجوانان قابل و شایسته قرار می‌دهند. با توجه به مهرآیینی ایرانیان (پیش از آیین زرتشت) و جایگاه خورشید در آن، می‌توان شیرسنگی را نمادی از انتساب به مهر (میترا/هور/خورشید/آفتاب) دانست. آیین‌های مقدسی از شیرسنگی بین ایرانیان وجود دارد. آفتاب و اشعه آن در نگاره‌های سنگ مزارهای بختیاری وجود دارد. وجود شیرهای سنگی در شکل و اندازه‌های گونه‌گون و باهیت‌های متفاوت در دوره‌های گذشته بیانگر اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان نیز هست. وزن، شکل و اندازه شیرها در دوره‌هایی که اقتدار، عظمت و روح دشمن‌ستیزی بر ایران حاکم بود بزرگ‌تر و باهیت‌تر است. تاریخ، فرهنگ، هنر و صنعت تلفیقی از نماد و واقعیت‌اند که در قالب‌هایی مانند شیرسنگی (بردشیر) خود را نشان می‌دهند. شیرهای سنگی یادآور گونه منقرض‌شده‌ای از شیر جانوری است که در زاگرس هنوز ماندگار است.

در پایان این نوشتار چند پیش‌نهاد عملیاتی و یافته‌های محقق و تحقیق، مطرح می‌شود:

- ۱- آموزش استادکاران جوان، برای ماندگاری و توسعه این هنر ایرانی به روش استاد-شاگردی ضروری است. چون با وجود سنگ‌های موجود (سنگ‌های کریستال چینی و ...) در کارگاه‌های تهیه و ساخت سنگ قبر با دستگاه‌های پیش‌رفته، بیم فراموشی و نابودی این هنر و صنعت دستی و سنتی ایران، وجود دارد.

بَرَدشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۴۳

۲- با توجه به برابری قیمت تولید سنگ قبر معمولی و شیرسنگی، ترویج فرهنگ استفاده از این هنر در مناطق بختیاری نشین برای افراد شایسته، به ماندگاری این حرفه کمک می‌کند.

۳- با شناسایی و شماره‌گذاری شیرسنگی‌های برجای‌مانده این هنر ملی را در لیست آثار حفاظت‌شده دولتی قرار دهیم.

۴- بین شیرهای سنگی خوزستان و چهارمحال و بختیاری رابطه بسیار منطقی و مشخصی وجود دارد.

۵- تجلی شیر و شکل نمادین پیکره سنگی آن به نام «بردشیر» در حوزه فرهنگی ناملموس بختیاری به‌عنوان یکی از اقوام کهن ایرانی، نشان می‌دهد که به سبب ویژگی‌های زیستی، اقلیمی و شرایط خاص فرهنگی مردم بختیاری، این نماد در ادبیات، هنر، موسیقی و دیگر بخش‌های مرتبط با تحقیقات مردم‌شناسی حائز اهمیت است.

۶- تیپ‌های متنوع ساخت شیر را در جاهای مختلف و به‌ویژه محدوده زاگرس دسته‌بندی نماییم.

۷- جایگاه فرهنگ غیرمادی (معنوی) با پشتوانه سرشار و فلسفه مانای عناصر آن، برای کارآگاهان پژوهش‌های مردم‌شناختی، قوم‌نگاری، انسان‌شناسی فرهنگی و علوم اجتماعی، درخور بررسی و تأمل است.

۸- شایسته و لازم است که با شناسایی و سپردن مسئولیت نگه‌داری و حفاظت از این تندیس‌ها به مردم و مسئولان محلی، از تخریب و تهدید بیش‌تر این نمادهای هنری و حماسی جلوگیری شود.

۹- شیرسنگی از نمادهای اسطوره‌ای و کهن فرهنگ ایران و جهان است. این نماد فرهنگی در زندگی مادی و غیرمادی اقوام ایرانی به شکل‌های مختلف خود را نشان می‌دهد. می‌توان به‌عنوان تندیس در همایش‌ها و کاربری‌های دیگر و به‌عنوان یک حرفه درآمدزا در بخش اقتصادی هم از آن بهره‌جست.

- ۱۰- شیرهای سنگی استان چهارمحال و بختیاری با توجه به جنس سنگ محلی و شرایط اقلیمی دوام بالایی دارند.
- ۱۱- مدیریت، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی این نمادها می‌تواند به شناسنامه‌دار شدن همه شیرهای سنگی به‌عنوان میراث باستانی و هنری کشور کمک کند.
- ۱۲- نمادهای تاریخی، هنری، فرهنگی و اجتماعی اقوام و طوایف ایرانی شناسنامه مردم ماست. حفظ و حراست از این گنج‌ها، پاسداشت گنجینه تمدن ایران زمین است. پس این رسالت بزرگ بر عهده پژوهشگران حقیقی و تمام دستگاه‌های دولتی و غیردولتی (پژوهشگران حقوقی) است که تلاش روزافزونی در این راستا داشته باشند.
- ۱۳- با وجود ده‌ها باور، ضرب‌المثل، ترانه، چیستان و دیگرگونه‌های فولکلوری در بختیاری به پیوستگی‌های تاریخی، فرهنگی و هنری این نماد و شکل‌های تغییر یافته و نوین آن باید توجه کرد.
- ۱۴- دانشگاه‌هایی که رشته باستان‌شناسی، هنر، ایران‌شناسی و ... دارند، می‌توانند با معرفی این تندیس‌ها و کارکردهای مختلف آن، در این خصوص پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های معتبر و علمی تدوین و تألیف نمایند. استادان و پژوهشگران مطلع با تدوین مقالات علمی و پژوهشی فارسی و خارجی می‌توانند این هنر ارجمند را به جهانیان معرفی نمایند.
- ۱۵- این هنر ملی را در لیست آثار حفاظت‌شده دولتی قرار دهیم. پژوهشگران می‌توانند با کمک وزارت میراث فرهنگی و دفتر یونسکو در ایران این اثر را در جرگه میراث جهانی بیاورند.
- ۱۶- بانکی از شیرهای سنگی موجود با اطلاعات کاملی چون: مکان، زمان، صاحب، سازنده، نگاره‌ها، جهت، جنس، اندازه، و... تهیه شود. دهیاری‌ها، دهرداری‌ها، بخشداری و فرمانداری‌های هر شهرستان می‌توانند برای خودشان این بانک را تشکیل دهند و با کمک دستگاه‌های امنیتی و انتظامی از تخریب و سرقت این عنصر ملی جلوگیری نمایند.

۱۷- شهرداری‌ها، مراکز فرهنگی، فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها و موسسه‌های دولتی و انجمن‌های مردم‌نهاد (N.G.O) تلاش کنند که در یک عزم عمومی و همت فرهنگی، شیرهای سنگی موجود را کدگذاری و ثبت نمایند تا مانع تخریب و یا سرقت آنان شوند. (همان‌گونه که شهرداری‌ها نسبت به درختان شهر حساسیت نشان می‌دهند در محدوده قبرستان‌ها نیز مراکز شهری یا دهرداری‌ها در روستاها این مسئولیت را بر عهده گیرند).

۱۸- به سبب کارکرد و کارایی بالای هنری، آموزشی، اقتصادی و فرهنگی شیرهای سنگی، این نماد به‌عنوان یک برند ایرانی ثبت ملی و جهانی شود. این نماد می‌تواند در مجموعه فعالیت‌های گردشگری و شناخت تمدن‌های بومی ایران معرفی شود. (نک. عکس ۴۳).

۱۹- با توجه به قابلیت تندیس شیرسنگی و ارزش بالای حس تاریخی و قومی، هنرمندان بختیاری از تندیس و نقش شیرسنگی در کارهای خود بهره ببرند. شهرداری‌ها از این نماد برای ورودی شهرهای بختیاری نشین، استفاده کنند (نک. عکس ۴۴ ورودی اردل).

۲۰- درگردن‌بندهای طلا و نقره، انگشترها، عصاها، تندیس کوچک و تزیینی درون خانه و... از این تندیس استفاده کنیم. می‌توان در سنگ‌نما، سرامیک، نقاشی گلخانه‌ها و مهمان‌خانه‌ها از این تندیس بهره برد. در بلیت اتوبوس، سینما، کارت تبریک، طرح جلد کتاب، لوح فشرده، پرچم‌های رومیزی، نشان کلاه، مدال، نقش روی لباس و نشان‌های ورزشی و هنری دیگر هم از نقش «شیرسنگی» استفاده کنیم.



عکس ۴۳- شیر سنگی پهلوانی که در کنار سی‌وسه‌پل اصفهان، سر انسانی در دهان آن

قرار دارد منبع: اینترنت

عکس ۴۴- میدان سرداران شهر اردل، عکاس: نویسنده، ۱۳۹۳

کارمایه‌های پژوهش

- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۱). گذری و نظری در فرهنگ مردم، تهران: نشر اسپرک.
- بلوک‌باشی، علی. (۱۳۵۷). فرهنگ عامه، (سال چهارم آموزش متوسطه عمومی، فرهنگ و ادب)، تهران: انتشارات آموزش و پرورش.
- تناولی، پرویز. (۱۳۵۶). قالیچه‌های شیری فارس، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خسروی فرد، سام. (۱۳۸۹). شیر ایرانی، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۸). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی، جلد یک، تهران: انتشارات معین.
- رحمانی، روشن. (۱۳۸۰). افسانه‌های مردم فارسی‌زبان، تهران: انتشارات نوید شیراز.
- عباسی فرد، فرناز. (۱۳۸۸). قالیچه‌های عکسی ایران معاصر، تهران: نشر سبحان نور.
- علی‌پور سعدانی، رضا. (۱۳۸۸). شیء باوری...، تهران: نشر نوردان.
- فره‌وشی، بهرام. (۱۳۶۴). جهان فروری، تهران: نشر کاربان.
- فره‌وشی، بهرام. (۱۳۷۰). ایرانویج، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

بَرَدِشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی ... ۴۷

- قاضیانی، فرحناز. (۱۳۷۶)، *بختیاری‌ها، بافته‌ها و نقوش*، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- قنبری عدیوی، عباس. (۱۳۸۱)، *امثال و حکم بختیاری*، شهرکرد: انتشارات ایل.
- قنبری عدیوی، عباس. (۱۳۸۵)، *گفت و لغت*، شهرکرد: انتشارات مرید.
- قنبری عدیوی، عباس. (۱۳۹۰)، *جستاری در فرهنگ و هنر بختیاری*، شهرکرد: انتشارات نیوشه.
- قنبری عدیوی، عباس. (۱۳۹۳)، *ز شیر بنگشت تا جون آدمیزاد*، شهرکرد: انتشارات نیوشه.
- قنبری عدیوی، عباس. (۱۳۹۳)، *شیرسنگی، پژوهشی درباره شیرسنگی در بختیاری*، شهرکرد: انتشارات نیوشه.
- قنبری عدیوی، عباس. (۱۳۹۸)، *مردم‌شناسی بختیاری*، شهرکرد: انتشارات نیوشه.
- نیر نوری، حمید. (۱۳۴۴)، *تاریخچه بیرق ایران و شیروخورشید*، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، انتشارات دانشگاه تهران.
- هال، جیمز. (۱۳۸۰)، *فرهنگ‌نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه: رقیه بهزادی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۹۱)، *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ چهارم.

منابع میدانی:

- الف) *سنگ تراشان: جهانگیر جهان بخشی* (۷۰ ساله، هفشجان)، خیرالله باقری (۶۵ سال، هفشجان)، عزت‌الله باقری (۶۷ ساله، هفشجان)، یاسر یزدی (۳۲ ساله، هفشجان)، احمد یزدی (۴۵ ساله، هفشجان)، مرتضی فرهادی (۳۸ ساله، شهرکرد)، مسلم فرهادی (۵۰ ساله، شهرکرد)، مجید چمانی (۵۵ ساله، شهرکرد)، محسن گودرزیان (۳۰ ساله، شهرکرد)، فیض‌الله طاهری اردلی (۵۰ ساله، اردل) و خداداد حداد جونقانی (۵۰ ساله، جونقان).
- ب) *فرهنگ یاران محلی: شهباز قنبری عدیوی* (۸۹ ساله، فولادشهر)، مظفر قنبری عدیوی (۷۸ ساله، شهرکرد)، ایرج چراغ پور (۵۸ ساله، کوه‌رنگ)، فاطمه قنبری عدیوی (۶۵ ساله، شهرکرد)، شاه‌یجان قنبری عدیوی (۷۵ ساله، فولادشهر)، راشین کریمی (۵۲ ساله، شهرکرد).